

## نقش ناجا در استحکام ساخت درونی قدرت نظام

اکبر رضازاده<sup>۱</sup>

تقی بختیاری<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۱۷

### چکیده:

بر اساس قانون، موضوع مهم انتظام جامعه بر عهده ناجاست. ناجا در سیر تحولی خود به دلیل تأثیرگذاری نخبگان، شرایط کشور و تحولات محیطی از رویکردهایی چون اقتدارگرایی، مسئله‌محوری و جامعه‌محوری در کارکردها و مأموریت‌های خویش بهره برده و با بهره‌مندی از این رویکردها در مقاطع مختلف تاریخی در استحکام درونی حاکمیت از حیث امنیتی - انتظامی دارای نقش بوده است؛ اما این نقش با توجه به هرکدام از این رویکردها در استحکام ساخت درونی قدرت به عوامل متعدد و گوناگونی بستگی دارد که این تحقیق به دنبال پاسخ به آن هست؟

این تحقیق از نظر نوع کاربردی و از نظر روش توصیفی - پیمایشی هست. برای احصاء مؤلفه‌های استحکام قدرت و رویکردهای پلیس از منابع اسنادی و برای استخراج عوامل مؤثر بر رضایت‌مندی مردم از پیمایش استفاده شده است. دانشجویان مقطع دکتری و ارشد دانشکده فرماندهی و ستاد ناجا، جامعه آماری تحقیق حاضر محسوب می‌شوند که به صورت تمام شمار انتخاب و به وسیله پرسشنامه محقق ساخته داده‌ها گردآوری گردید. روایی آن توسط اساتید و صاحب‌نظران حوزه امنیت و پایایی آن به وسیله ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۲) تأمین شد.

یافته‌ها حاکی از آن است که رویکردهای انبساطی و فراگیر و دروازه‌بانی تقاضا با ۵۲ درصد در اولویت اول و مدیریت نرم اجتماعی و پاسخگو، انسجام و همبستگی اجتماعی و استمرار اقتدار در تأمین امنیت در رتبه‌های بعدی قرار دارند و رویکردهای انقباضی و بسته از پایین‌ترین سطح رضایت برخوردار بوده‌اند. ویژگی‌هایی چون تولید اقتدار، ثبات و انسجام داخلی و خارجی، اقتدار نظام سیاسی، نیروی انسانی متخصص و نهادمندی در قدرت اجتماعی مهم‌ترین ویژگی‌ها در توسعه انتظام ملی می‌باشند.

**کلیدواژه‌ها:** استحکام درونی، (ناجا) نیروی انتظامی، رویکرد، انبساطی، انقباضی

۱- دانش آموخته دوره دکتری امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین

(نویسنده مسئول) - Arezazadeh@gmail.com

۲- استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین

## مقدمه:

نگاه غرب به مفهوم امنیت در تمام سطوح با نگاه جمهوری اسلامی ایران، یکسان نیست. در حوزه داخلی ما پنج مفهوم مخالف، معاند، یاغی، مفسد و مجرم را داریم که متهم به ایجاد ناامنی در کشور هستند؛ اما در ادبیات غرب اقدام علیه امنیت داخلی به‌عنوان یکی از سطوح امنیت ملی شامل هرگونه اقدام، قصد و نیتی که با هدف سرنگونی، ضربه زدن و توقف توانایی‌های ملی در کشور صورت گیرد و یا موجب بروز زمینه‌های عدم وفاداری در شهروندان و تبدیل آن به یک حرکت جمعی علیه امنیت ملی آن کشور گردد، اطلاق می‌شود. اساساً مفهوم امنیت داخلی در نظام‌های غربی از مجموعه‌ای از شناسه‌ها برخوردار است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- ۱- ایجاد احساس ثبات سیاسی در رهبران،
  - ۲- مشخص‌سازی دامنه و مطالبه اقتدار سیاسی در رهبران،
  - ۳- نظم‌پذیری مسئولانه و همه‌جانبه در قدرت،
  - ۴- قانون‌مندی و تبعیت از مقررات اساسی.
- بر همین مبنا مدل‌های امنیت داخلی از پنج محور ذیل تأثیر می‌پذیرند:
- ۱- ثبات سیاسی بر اساس دولت قوی و متمرکز،
  - ۲- اقتدار سیاسی بر اساس انضباط و نظم آهنین،
  - ۳- الگوی مدیریت انتظام ملی بر اساس کارکردهای پلیسی-امنیتی،
  - ۴- مشارکت و انضباط اجتماعی با دولت حداقلی همراه با مسئولیت شهروندی که مورد تأکید سازه‌نگاران می‌باشد،
  - ۵- توسعه سطح مشروعیت دولت و کارکردهای رفاه جمعی با اتکاء بر قابلیت تغییر هنجاری،
- نگاهی که نئولیبرال‌ها بر آن اتکاء دارند (عصاریان‌نژاد، ۱۳۹۱: ۳۵).

این پنج محور در صورت اقدام مناسب از سوی نخبگان نظام سیاسی و تأثیرگذاری بر امنیت داخلی آن نظام، منجر به ایجاد یک مدل انتظام‌پایه می‌گردد که محصول طبیعی آن، نبود بی‌نظمی در داخل اجتماع، تأمین رضایت افراد در جامعه به همراه نقش مسئولانه آنان در معادله قدرت بر اساس تأمین، تحرک و نشاط حوزه قدرت و اقتدار جامعه و افزایش سطح حمایت و مشارکت ملی که باعث بروز رضایت، اعتماد و مشروع قلمداد شدن نظام سیاسی خواهد گردید، می‌باشد.

پلیس کشور از ابتدای تأسیس همواره تأمین نظم و امنیت جامعه را در سرلوحه مأموریت‌های خود قرار داده و مسیر نیل به این هدف را از طریق موازین قانونی طی نموده است. ضمن این‌که

قوانین و مقررات کشور عمدتاً کارکرد تأمین امنیت جامعه را بیش از سایر ابعاد، از پلیس انتظار داشته است.

این مأموریت اساسی و خطیر همواره متأثر از شرایط کشور، تحولات محیطی و عمدتاً بر اساس تصمیمات حاکمیت صورت گرفته و در سیر تحولی پلیس رویکردهای گوناگونی چون اقتدارگرایی، مسئله‌محوری و جامعه‌محوری بر این سازمان عظیم نظامی کشور حاکم بوده است. استحکام ساخت درونی قدرت به عوامل و متغیرهای گوناگونی بستگی دارد و به‌طور طبیعی در حوزه‌ها و بخش‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به متولیان اصلی آنها بازمی‌گردد، لیکن در حوزه امنیتی-انتظامی این امر با مأموریت‌ها و کارکردهای نیروی انتظامی ارتباط تنگاتنگ دارد، در اینکه کدام یک از این رویکردهای پلیس در استحکام ساخت درونی قدرت نقش اساسی داشته، به نگاه حاکمیت، تحولات محیطی و تعامل پلیس و شهروندان بستگی دارد و بالطبع اقتضائات اعتقادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به‌عنوان متغیرهای مداخله‌گر از عوامل تعیین‌کننده می‌باشند. لذا این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال اساسی است که نقش ناجا در استحکام ساخت درونی قدرت نظام چیست؟ ناجا برای نیل به این منظور کدام رویکردها را باید دنبال نماید و بالاخره اینکه مؤلفه‌های تأثیرگذار در استحکام ساخت درونی قدرت نظام در حوزه انتظامی کدام‌ها می‌باشند؟

انجام این تحقیق می‌تواند به فرماندهان و مسئولین نیروی انتظامی بینش و نگاهی راهبردی در خصوص جایگاه و نقش نیروی انتظامی در ساخت درونی قدرت بدهد تا آنان بتوانند با آگاهی بیشتری به طراحی و اداره مأموریت‌های خود در راستای تأمین امنیت افراد، گروه‌ها و نهادها بپردازند و مهم‌تر اینکه نقش خود را در راستای دفاع از انقلاب و ارزش‌های انقلابی در جامعه بهتر ایفاء نمایند. عدم انجام تحقیق نیز باعث ابهام در نوع نگاه راهبردی فرماندهان و مدیران نیروی انتظامی خواهد شد؛ زیرا عدم شناخت نقش ناجا در استحکام ساخت درونی قدرت و همچنین عدم شناخت مؤلفه‌های تأثیرگذار در تأمین ساخت مستحکم قدرت، باعث سردرگمی و انجام اقدامات جزیره‌ای و پراکنده خواهد شد که نظام را به هدف اصلی که همانا استحکام ساخت درونی قدرت می‌باشد، نخواهد رساند.

**هدف اصلی:** شناخت میزان تأثیر نقش ناجا در استحکام ساخت درونی قدرت نظام

**اهداف فرعی:** ۱- شناخت میزان تأثیر نقش انبساطی و فراگیر در ساخت استحکام درونی قدرت نظام. ۲- شناخت میزان تأثیر نقش تولید امنیت در ساخت استحکام درونی قدرت نظام. ۳- شناخت میزان تأثیر نقش انقباضی و محدود در ساخت استحکام درونی قدرت نظام. ۴- شناخت میزان تأثیر نقش انسجام و همبستگی در ساخت استحکام درونی قدرت نظام. ۵- شناخت میزان تأثیر نقش دروازه‌بانی تقاضاها در ساخت استحکام درونی قدرت نظام. ۶- شناخت میزان تأثیر نقش اخلاقی در ساخت استحکام درونی قدرت نظام. ۷- شناخت میزان تأثیر نقش مدیریت نرم اجتماعی و پاسخگو در ساخت استحکام درونی قدرت نظام

**سؤال اصلی:** نقش ناجا به چه میزان در استحکام ساخت درونی قدرت نظام تأثیر دارد؟

**سوالات فرعی:**

نقش انبساطی و فراگیر به چه میزان در ساخت استحکام درونی قدرت نظام تأثیر دارد؟  
نقش تولید امنیت به چه میزان در ساخت استحکام درونی قدرت نظام تأثیر دارد؟  
نقش انقباضی و محدود به چه میزان در ساخت استحکام درونی قدرت نظام تأثیر دارد؟  
نقش انسجام و همبستگی به چه میزان در ساخت استحکام درونی قدرت نظام تأثیر دارد؟  
نقش دروازه‌بانی تقاضاها به چه میزان در ساخت استحکام درونی قدرت نظام تأثیر دارد؟  
نقش اخلاقی به چه میزان در ساخت استحکام درونی قدرت نظام تأثیر دارد؟  
نقش مدیریت نرم اجتماعی و پاسخگو به چه میزان در ساخت استحکام درونی قدرت نظام تأثیر دارد؟

تأثیر دارد؟

### **مبانی نظری:**

رویکردهای ناجا در تأمین امنیت جامعه: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در تأمین نظم و امنیت کشور در مقاطع مختلف تاریخی و بنا به شرایط جامعه از رویکردهای مختلفی بهره برده است. در اینکه کدام‌یک از این رویکردها تناسب بیشتر و بهتری با مأموریت‌های تأمین نظم و امنیت عمومی داشته، نظرات متفاوتی وجود دارد. برخی بر این باورند رویکرد اقتداری به پلیس کمک بیشتری در نیل به اهداف مأموریتی خود می‌کند. برخی دیگر اعتقاد دارند با توجه به رشد فناوری و افزایش آگاهی‌های مردم و اینکه پلیس به‌تنهایی قادر به تأمین امر مهم امنیت مردم نیست، پلیس می‌بایست از رویکرد جامعه‌محوری و تکیه بر ظرفیت‌های مردمی، بیشترین بهره‌مندی را داشته باشد.

تعدادی از رویکردهای عمده و اساسی پلیس را در سیر تحول و تطور پلیس مرور می‌کنیم:

**رویکرد سنتی یا اقتدارگرا:** در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی، اقتدارگرایی با نوعی از الگوی حرفه‌ای بر رفتار پلیس حاکم بود و تعامل ضعیفی بین این نهاد و مردم وجود داشت و امنیت موجود در جامعه صرفاً برآمده از اقتدار و حاکمیت پلیسی در جامعه بوده است. در این رویکرد از یک طرف حاکمیت و نهادهای نظامی و انتظامی کمترین توجه را به جلب اعتماد عمومی و مشارکت اجتماعی مردم معطوف داشته‌اند و از طرفی مردم هم کمترین مشارکت انتظامی را در عرصه زندگی اجتماعی از خود بروز داده‌اند. به‌طور سنتی، حاکمیت و نهادهای برقرارکننده نظم و امنیت در کشور در راستای برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی بیشتر بر محور اقتدار حرکت نموده‌اند تا محور جامعه. این امر به روحیه استبدادی این حاکمیت‌ها و نبود روحیه مردم‌سالاری و دموکراسی در آن‌ها بازمی‌گشت. در نتیجه شاهد آن هستیم که همواره مشارکت مردم در امور انتظامی با نیروهای برقرار کننده نظم در سطوح بسیار پایینی بوده است. چراکه مردم به نیروهای برقرار کننده نظم و امنیت به‌عنوان نیروهایی در خدمت حاکمیت نگریسته‌اند نه نهادی برخاسته از مردم و برای مردم. در واقع مردم جامعه همواره نیروهای انتظامی و پلیس را در مقابل خود دیده‌اند، نه در کنار خود. ضمناً در کشور یک روحیه پلیس‌ستیزی را از لحاظ تاریخی شاهدیم که این روحیه خود منبعث از روحیه قانون‌گریزی مردم نیز بوده است. چراکه مردم به قوانین به‌عنوان ابزاری برای حفظ منافع حاکمیت نگریسته و طبیعی است که در نگاه آن‌ها پلیس نیز به‌عنوان ابزار حفظ منافع حاکمیت بوده است (وروایی، ۱۳۸۴: ۴۶-۴۴).

امروزه تأکید صرف بر همان کارکردهای سنتی، کارایی، نفوذ و اقتدار پلیس را کاهش می‌دهد و مانع از تعامل پلیس با مشکلات واقعی جامعه می‌گردد. ناکارایی قوانین، سلسله‌مراتب خشک بیش از حد، خلاقیت پلیس را دچار افول می‌سازد (همان: ۴۸).

**رویکرد مسئله‌محوری:** تحولات نشان می‌دهد که پلیس از سازمان‌ها و نهادهایی است که به‌راستی تأثیرات شگرفی در زندگی جمعی و فردی افراد جامعه دارد. امروزه پژوهشگران با کاستن از جلوه خشن سازمان پلیس و تأکید بر ابعاد انسانی، مدنی و نهادی آن، پرسش‌های اساسی در این باره مطرح کرده‌اند. این پرسش‌ها گویای آن است که پلیس نیز در پرتو تحولات اساسی اجتماعی از یک سو کارکردهای خشن و سرکوبگرانه خود را از دست داده و از سوی دیگر قابلیت‌های مفید و کاراتری پیدا کرده است. در این باره سئوالاتی چون:

۱. آیا اقتدار پلیس باید از دولت‌مردان ناشی شود یا قانون یا نفس حرفه پلیسی و یا جامعه؟
  ۲. آیا کارکرد پلیس محدود به مهار جنایت است، یا خدمات اجتماعی گسترده‌تری را در برمی‌گیرد؟
  ۳. آیا پلیس از حیث سازمانی باید متمرکز، پراکنده و یا در قالب یک گروه ضربت فراگیر، باشد؟
  ۴. آیا رابطه پلیس با محیط آن باید تلویحی و ضمنی باشد، یا از قبل تعیین و مشخص شده باشد؟
  ۵. آیا تقاضا برای کسب و استفاده از خدمات پلیس باید متمرکز، باز یا سیال باشد؟
  ۶. آیا شیوه‌ها و مهارت‌های پلیسی باید در راستای دخالت، مهار و واکنش‌های سریع و آشکار باشد یا در جهت و معطوف به حل مشکل؟
  ۷. آیا نتیجه کار پلیس باید گویای مهار جنایت، شدت عمل و ابزار رضایت سیاسی شهروندی باشد یا توسعه کیفیت زندگی و خرسندی جامعه؟
- مطرح گردیده است. پرسش‌های مذکور بسیار اساسی است و در واقع کارکردهای سنتی پلیس را به چالش می‌کشد. نفس طرح این پرسش‌ها نشان می‌دهد که چگونه پلیس با تحولات مواجه شده و باید دولت‌ها و حکومت‌ها رویکردها و نگرش‌های جدیدی به آن‌ها داشته باشند. پرسش اول ناظر بر این است که دیگر مرجعیت دولت‌ها محدود شده و بسیاری از عرصه‌های حیات اجتماعی انسان‌ها می‌تواند توسط خود ایشان اداره و تمثیت داده شود. بدین ترتیب اقتدار پلیس از جانب افراد حاکم به سمت قانون و نهادهای مدنی جامعه تمایل پیدا می‌کند و نفس فعالیت‌های پلیسی معیار واقع می‌شود. در واقع به‌جای رویکرد سازمانی و قدرت‌گرا، نوعی نگرش فرهنگی و انسانی رایج می‌گردد.
- در این رویکرد شناسایی مسائل و تصمیم‌گیری در مورد آن‌ها بهترین شیوه رویارویی می‌باشد. یکی از شاخص‌های اساسی این نوع از پلیس، بازدارندگی به‌جای واکنشی عمل کردن است (کارن ام‌هس، لیندا اس‌میلر، ۱۳۸۲: ۱۵۲). بسیاری از متصدیان، اداره امور پلیسی جامعه‌گرا و حل مسئله را یکی می‌دانند. مدل گلدشتاین برای اداره امور پلیسی از راه‌حل مسئله، یک جزء اساسی اداره امور پلیسی جامعه‌محور است، در این مدل اداره امور پلیسی جامعه‌گرا، رویکرد مبتنی بر حل مسئله را با همکاری پلیس و جامعه در کنار هم به کار می‌گیرد (همان: ۱۵۲).

**رویکرد جامعه‌محوری:** با پیروزی انقلاب اسلامی همگام با تحول سطح مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، شاهد تحول قابل توجهی در امر مشارکت انتظامی مردم و از سویی دیگر توجه به رویکرد جامعه‌محوری از سوی نهادهای انتظامی بودیم. مع‌الوصف نیروی انتظامی به‌طور کامل نتوانسته از تمام ظرفیت‌های بالقوه اجتماعی خود در بهبود وضعیت نظم و امنیت کشور استفاده نماید. این در حالی است که بر اساس تعالیم عالی‌ه اسلام مردم نقش و جایگاه ویژه‌ای در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی، خصوصاً حوزه نظم و امنیت دارند. بر همین اساس است که در سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) به لزوم مشارکت توده‌های مختلف مردم در عرصه نظم و امنیت اجتماعی تأکید گردیده است. حضرت علی (ع) در فرمان خود به مالک اشتر به‌خوبی به نقش توده مردم در حوزه امنیت اشاره نموده و می‌فرمایند: «خواص همواره سنگینی [بار] را بر حکومت تحمیل می‌کنند، زیرا در روزگار سختی یاری‌شان کمتر و در اجرای عدالت از همه ناراضی‌تر و در خواسته‌هایشان پافشارتر و در عطاء و بخشش، کم‌سپاس‌تر و به هنگام منع [از] خواسته‌ها دیر عذرپذیرتر و در برابر مشکلات کم‌استقامت‌تر می‌باشند. در صورتی که ستون‌های استوار دین و اجتماعات پرشور مسلمانان و نیروهای ذخیره دفاعی عموم مردم می‌باشند، پس به آن‌ها گرایش داشته و اشتیاق تو با آنان باشد» (دستی، ۱۳۷۱: ۵۹۶).

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران نیز مردم را به مشارکت گسترده در مقوله نظم و امنیت اجتماعی تشویق نموده و می‌فرماید «من از شما خواستارم که به دولت کمک کنید به ژاندارمری کمک کنید. فقط این نباشد که منتظر باشید دولت همه کارها را بکند، دولت نمی‌تواند همه کارها را انجام دهد. شماها باید پشتیبانی کنید، هم از ارتش، هم از قوای انتظامی و کلانتری‌ها و همه با هم جلوی مفسده‌جویان را بگیرید» (صحیفه نور، ج ۵). امام راحل در فرمایشاتی که در دیدار با کارکنان نیروهای سابق انتظامی در مقاطع مختلف زمانی داشتند، به برخورداری و بهره‌مندی از اخلاق اسلامی در انجام مأموریت‌ها، پاسداری از اسلام و تثبیت ارزش‌های اسلامی در جامعه، تقویت روح ایمان و اسلامیت در کارکنان و خودکنترلی در مقابل هواهای نفسانی تأکید فراوانی داشتند. ایشان در یکی از دیدارها می‌فرمایند: «در جامعه اسلامی و دین‌مدار، باید رفتارها و برخوردهای نیروهای انتظامی بر اساس مبانی و اصول اسلامی و اخلاقی و مبتنی بر محور ولایت باشد» (امام خمینی (ره)، ۱۳۵۸: ج ۷). از این رو معتقد بودند، نباید نوع برخوردها و رفتارها غیرمتعارف و غیرمتعادل باشد و مأموران ناجا به‌عنوان چشم نظام جمهوری اسلامی باید مزین به فضایل لازم باشند، ایشان همچنین می‌فرمودند: «شما آقایان که الان پاسدار انقلاب هستید، همان‌طوری که از

انقلاب پاسداری می‌کنید، تکلیف بالاتر این است که از اسلام پاسداری بکنید؛ و آن به این است که از خودتان پاسداری کنید، از هواهای نفسانی خودتان، از شهوات خودتان... از این‌ها پاسداری بکنید، به طوری که وقتی که شما پاسدارها را مردم می‌بینند و یا آن چشم‌هایی که می‌خواهند یک اشکالی بکنند، ببینند که شما مردمی هستید که سلامت هستید» (امام خمینی (ره)، ۱۳۵۸: ج ۸).

همچنین، حضرت امام (ره) در خصوص کارکردها، وظایف و مأموریت‌های نیروهای انتظامی همراه با رعایت موازین قانونی تأکید فراوانی داشته و درباره نظم و سلسله‌مراتب به این امر قائل بودند که اطاعت از بالادست‌ها یک امر شرعی هست و تأکید بر این امر مهم، تأمین آسایش و آرامش مردم، رعایت موازین قانونی و حفظ عزت نفس کارکنان، با دوری از هرگونه لغزش‌های نفسانی از ضرورت‌های کار نیروهای انتظامی می‌باشد. ایشان در زمینه انضباط اخلاقی، متعالی و متناسب با فرهنگ عبودیت معتقد بودند: «امروز اطاعت از بالادست‌ها یک امر شرعی است. امروز کسی که بالای سر همه است، خدای تبارک و تعالی است که همه چیز را در ظاهر و باطن می‌بیند» (امام خمینی (ره)، ۱۳۵۹: ۲۶۱).

با وجود این، حضرت امام در مواجهه با منحرفان و تبهکارانی که قصد اختلال در امنیت و نظم اجتماعی و فرهنگی جامعه را داشتند، برخوردی اصولی و قاطعانه دارد، به گونه‌ای که در این زمینه نیز می‌فرماید: «باید ملت از این پس که در حال استقرار و سازندگی است، احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده‌خاطر و مطمئن از همه جهات، به کارهای خویش ادامه دهند و اسلام بزرگ و دولت اسلامی را پشتیبان خود بدانند و قوه قضائیه را و... در خدمت خود ببینند و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها را موجب آسایش و امنیت خود و کشور خود بدانند» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ۱۴۲).

مقام معظم رهبری نیز به خوبی به رویکرد جامعه‌محوری پلیس توجه داشته و خطاب به نیروی انتظامی می‌فرماید: «شما احتیاج به همکاری مردم دارید، این همکاری را از طریق اعتماد و اعتقاد مردم جلب کنید. اعتقاد مردم را می‌توانید، با عملکرد و تبلیغات جلب کنید. با هر چه که در این اعتماد رخنه وارد می‌کند، مقابله کنید» (حدیث ولایت، ۱۳۸۹). از آن جایی که برخورد نیکو و رفتار خوب داشتن با مردم از ضرورت‌ها می‌باشد، ایشان درباره دارا بودن احساس رأفت و مهربانی و رحمت نسبت به مردم توسط کارکنان نیروی انتظامی می‌فرماید: «... باید نسبت به مردمی که می‌خواهید از خانه، جاده، امنیت، مرز و کسب و کار آن‌ها محافظت کنید، احساس رأفت و رحمت داشته باشید. مردم باید این معنا را لمس کنند که همان نیروی مقتدر و با صلابتی که در مقابل مخل



امنیت، با کمال قدرت و صلابت می‌ایستند، وقتی با مردم و افراد مظلوم مواجه می‌شود، با رحمت و رأفت برخورد می‌کند...» (بوستان ولایت ۲، ۱۳۸۵: ۶۴).

انجام مقتدرانه مأموریت‌ها و برخورد مهربانانه با مردم از ضرورت‌های کار پلیسی هست، از این حیث هست که رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «... مهم‌ترین وظیفه نیروی انتظامی جمع کردن بین ایستادگی بر قانون و اجرای بدون تبعیض آن و برخورد مهربانانه با مردم و انعطاف در موارد لازم است» (بوستان ولایت ۲، ۱۳۸۵: ۱۷۳). در فرمایش دیگری بیان می‌کند: «اعتماد مردم، مهربانی با مردم، جانب مردم را داشتن، در کنار ابهت و چهره مصمم و قاطع و قدرتمند از نیروی انتظامی، این دو باید پهلوی هم باشند» (نیروی انتظامی مظهر اقتدار ملی، ۱۳۸۹: ۲۸۷).

در همین رابطه نظریه پرداز امور پلیسی، لاری کامپس، می‌نویسد: «خوش رفتاری جزء اصلی یک اداره پلیس کارآمد و مدرن است که می‌باید افسران در تمام روابط روزانه خود با شهروندان از خود نشان دهند.» وی در خصوص پیامدهای مؤثر خوش رفتاری می‌گوید: «خوش رفتاری، محیطی ایجاد می‌کند که ما را به حل مشکلات رهنمون می‌سازد؛ و فضای مناسبی برای تشریک مساعی با شهروندان ایجاد می‌کند؛ و برای رویارویی‌های آتی ما، بنیاد اعتماد را پایه‌ریزی می‌کند» (عبدی، ۱۳۸۱: ۱۲).

مأموران پلیس برای این منظور باید در گام نخست رفتار خود با مردم و جامعه را اصلاح کنند. تا زمینه پذیرش دستورها از طرف مردم به وجود آید. اگر مردم قوانین وضع شده را نپذیرند، پلیس هرگز نخواهد توانست گامی به جلو بردارد. پذیرش این قوانین، تنها در سایه رفتار مأموران پلیس با مردم بر مبنای اخلاق اسلامی، اصلاح رفتاری مأموران و قرار گرفتن آن در چارچوب اخلاق اسلامی است. وقتی سخن از اخلاق و اهمیت آن در تعامل با مردم به میان می‌آید، منظور نحوه برخورد با مردم، شیوه اعمال مقررات و قوانین و تعامل با جامعه است. اگر اخلاق ملاک عمل در برخوردها قرار گیرد، حتی لجوج‌ترین و با عنادترین افراد در مقابل قانون سر تعظیم فرود آورده، با احترام، قانون را اجراء می‌کنند (فیض، ۱۳۸۶: ۷۹).

«شما برادران نیروی انتظامی، هرچه از لحاظ اقتدار و سرپنجه قدرتمندی که بتواند عناصر مخل امنیت را در کشور تعقیب بکند، از لحاظ اخلاق و شرافت و نجابت و امانت و پاکدامنی، بر کیفیت خودتان بیفزایید، زیادی نشده است» (بوستان ولایت، ۱۳۸۵: ۷۸).

«نیروی انتظامی، هم باید با عزت، هم با امانت، هم با کارایی خود، در محیط زندگی مردم بدرخشد. آن ملتی که نیروی انتظامی خود را عزیز می‌داند، او را با خود یگانه می‌شمارد و به او

اعتماد می‌کند، ملت خوشبختی است» (همان: ۱۰۶). به جهت ویژگی‌های یک پلیس انقلابی، ایشان انتظاراتی دارند که حتی مقابله با مخلان امنیت و کیفی شدن کارکنان نیرو از حیث اخلاقی و رفتاری را برخوردار از ظرفیت‌های بالاتری از وضع موجود می‌دانند و در این باره می‌فرمایند: وظیفه پلیس خدمت به مردم و دفاع از جان و مال و ناموس آحاد جامعه در مقابل متجاسران و مجرمان است. پلیس باید در حین ادب و نزاکت و اخلاق، با اقتدار تمام در مقابل قانون‌شکنان قد برافرازد و از نظم و اجتماع و حقوق مردم دفاع کند. محور کار پلیسی، اقتدار قانونی و نماد عدالت بودن است. مقام معظم رهبری بارها رهنمود داده‌اند که پلیس باید مأمّن دل‌های خائف و ترسان و ستم‌دیده باشد و موجب رعب و وحشت مجرمان، اقتدار واقعی و قانونی پلیس در همین نکته نهفته است (عبدی، ۱۳۸۱: ۱۲).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات متعددی، برخورداری از دانش تخصصی، سریع و به‌هنگام بودن، برخورداری از اقتدار و قدرت، هوشمندی و پیچیده بودن، قانون‌گرایی و ... که مدلل بر کارآمدی پلیس در انجام مأموریت‌ها می‌باشد را مورد تأکید قرار داده و انتظار دارند سازمان و کارکنان پلیس همواره مجهز به این ویژگی‌ها باشند. ایشان می‌فرمایند: «بدانید که آمادگی‌های خودتان را باید روز به روز افزایش بدهید. شما باید خودتان را آماده کنید. با آمادگی علمی، آمادگی عملی، آمادگی تجربی، رزمایش‌های گوناگون، حفظ نظم و انضباط، آمادگی از لحاظ تجهیزات و...» (بوستان ولایت ۲، ۱۳۸۵: ۲-۱۸۱). «نکته دیگر، مسئله توسعه آموزش است؛ هم نظری و هم عملی. آموزش در همه بخش‌های شما، نقش اساسی دارد» (نیروی انتظامی مظهر اقتدار ملی، ۱۳۸۹: ۲۸۷).

برخورداری از دانش تخصصی و حرفه‌ای شدن، ضرورتی اولیه و ابتدایی برای نیروی انتظامی محسوب می‌شود. بر این اساس، برای امور مختلف به‌خصوص در زمینه‌های اجتماعی، تخصص‌های جدیدی مورد نیاز است تا بتوان از آن طریق، توقع جامعه را از یک پلیس فعال و کارآمد برآورده ساخت. به این جهت، حرفه پلیس نیازمند به حضور افرادی در سازمان پلیس است که پس از آموزش و کسب تجربه و مهارت، بتوانند بازدهی مناسب را در طول خدمت خویش ارائه کنند. وسعت بخشیدن به ابعاد کارآمدی در این نیروی خدوم اجتماعی، لازمه‌اش حضور در میدان‌های مهمی همچون تبحر یافتن در علوم و فنون روز - میدان دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی - بالا بردن روحیه و عرق ملی، نسبت به آرمان‌های انقلاب اسلامی و ... است (پازوکیان، ۱۳۸۴: ۵۱-۴۷).

با توجه به آنچه گذشت، برای استفاده از مشارکت حداکثری مردم در برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی، باید راهکارهای نهادینه کردن و رویکرد جامعه‌محوری پلیس شناسایی و در قالب یک استراتژی و برنامه مدون، این تدابیر و راهکارها به مرحله اجراء گذاشته شوند (وروایی، ۱۳۸۴: ۴۶-۴۴). هرچند جامعه‌محوری دارای ابعاد وسیعی است و پژوهشگران مطالعات امنیتی و پلیسی از آن به‌عنوان یک فلسفه یاد می‌کنند (هس و میلر، ۱۳۸۲: ۳۹) و به محورهای ذیل به‌عنوان اساسی‌ترین موضوع در این رویکرد تأکید دارند:

بهینه‌سازی ساختار و سازمان، برای چابک‌سازی و ایجاد تعادل بین صف و ستاد.  
توسعه سرمایه‌های انسانی، به‌عنوان اصلی‌ترین و کلیدی‌ترین سرمایه سازمانی و توسعه آن.  
توسعه سرمایه‌های مادی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین.  
پیشگیری اجتماعی با تقویت سرمایه‌های اجتماعی سازمان و حفظ و توسعه آن.  
توسعه نظام مدیریتی بر مبنای شایستگی‌ها.  
ابتناء به دانش و پژوهش و بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی درون و برون سازمان.  
توسعه اقتدار عملیاتی و اشراف اطلاعاتی.  
در این رویکرد تقدم پیشگیری بر اقدامات واکنشی، به‌عنوان یک اصل مطرح است.  
علاوه بر موارد مذکور، صاحب‌نظران و اندیشمندان برای رویکرد جامعه‌محوری پلیس، کارویژه‌ها و اصول اساسی را قائل هستند، فریدمن یکی از این نظریه‌پردازان در این باره معتقد است که در صورت مشارکت کلیه کارکنان، همکاری شهروندان داوطلب، ایجاد ارتباط جدید بین شهروندان و پلیس، تلاش‌های پیشگیرانه پلیس و تمرکززدایی در سازمان پلیس، می‌توان نسبت به اجرای استراتژی رویکرد جامعه‌محوری پلیس، اقدام نمود (وروایی، ۱۳۸۴: ۴۹-۵۴). البته با توجه به رشد سریع فناوری و لزوم توجه بایسته به این امر در رویکرد پلیس جامعه‌محور، ضمن پذیرش لزوم استفاده عقلایی از فناوری روز در انجام امور انتظامی، بر این امر نیز تأکید می‌شود که استفاده از فناوری به معنای بی‌توجهی به عامل انسانی نیست.

**الگوی تلفیقی:** آنچه تاکنون از سوی سازمان پلیس، در انجام مأموریت‌ها در طول تأسیس خود دیده شده، برخورداری از الگوهای حرفه‌ای و یا مشارکتی در ادوار مختلف تاریخی بوده که الگوهای کاملاً موفق نبوده‌اند و در کنار موفقیت‌های مقطعی، اغلب فاقد راهبرد مشخص برای استمرار موفقیت‌آمیز مأموریت اساسی تأمین نظم و امنیت بوده‌اند، لیکن الگوی تلفیقی این دو رویکرد، شاهد موفقیت‌های بیشتری بوده است (عبدی و جزینی، ۱۳۸۰: ۵۹-۵۵).

الگوی تلفیقی صرفاً یک تاکتیک عملیاتی و کاربردی نیست، بلکه راهبردی اساسی و مهم در فرایند اصلاح امنیت کشور است. این الگو با شاخص پلیس ۱۱۰ در واقع پاسخ به نیاز کاملاً احساس شده از ناحیه تمام افسران مؤمن و مدیران عالی پلیس و کشور است که خواستار تدوین سیاست مشخصی در جهت افزایش توان تخصصی پلیس و مشارکت هرچه بیشتر مردم در امنیت عمومی هستند. این مرکز با عنوان «فوریت‌های پلیس و پاسخ به شرایط اضطراری جامعه» راه-اندازی شد. توجه به مشکلات جامعه، حمایت از زندگی و ثبات و آرامش مردم، از وظائف پلیس پاسخگوست که در موقعیت‌های اضطراری و مواقع پیشگیری، آزادانه‌تر از سایر مواقع عمل می‌کند و می‌تواند قبل از ارتکاب عمل، مجرمان را دستگیر نماید.

هرچند این رویکرد با عنوان فوریت‌های پلیسی و پاسخ به شرایط اضطراری راه‌اندازی شده است؛ ولی در واقع این یک رویکرد راهبردی-اصلاحی است که اهداف وسیع و گسترده‌ای را دنبال می‌کند و پارادایم خاصی بر آن حاکم است که می‌توان آن را، ترکیب مدل پلیس حرفه‌ای با رویکرد مشارکت مردمی نام نهاد. شاید بتوان گفت که با این طرح، پلیس وارد دوره جدیدی از فرایند اصلاحات شده است که پشتوانه نظری مناسبی دارد. ارزیابی به عمل آمده در این باره حکایت از آثار مثبت آن برای جامعه و سازمان است. جلوگیری از سرگردانی مردم در مراجعه آنان به پلیس، ارتقای باور و اعتقاد عمومی به پلیس و تأثیر آن بر افزایش امنیت و احساس آن در سطح جامعه، ارتقای منزلت و جایگاه مردم در به کارگیری پلیس، بهره‌گیری از توان بالقوه و جلب مشارکت مردمی در امور مختلف به‌ویژه اطلاعاتی و سایر ابعاد تأمین نظم و امنیت جامعه از جمله تأثیرات مثبت اجتماعی این الگو بوده است. در سطح سازمانی نیز ایجاد تحول اساسی و زیربنایی در فرآیند مأموریت‌های سازمانی، فراهم شدن امکان کنترل مأموران و واحدهای مأموریتی و هدفمند شدن عملیات اجرایی، به‌کارگیری امکانات و توانایی‌های پلیس و سوق دادن به سمت نیازهای امنیتی مردم و... از جمله آثار مثبت درون سازمانی این الگو عنوان شده است (وروابی، ۱۳۸۴: ۱۵۳).

ارتقاء اثربخشی و بهبود و اصلاح کارکردهای درون و برون سازمان با دو رویکرد انسان‌محوری (در درون سازمان) و جامعه‌محوری (در برون سازمان) از مهم‌ترین اهداف ناجا در سیر تحولی خود بوده است. نیروی انتظامی با درک صحیح و به‌موقع از دگرگونی‌ها، تحولات سریع و شتابان محیط، شناخت روندها و جهت‌های این دگرگونی‌ها و پایش مداوم تحولات آینده‌پژوهی در کنار عبرت‌گیری از گذشته، توجه به اقتضائات حال و آینده و ارزیابی و کنترل

مستمر اقدامات و به‌روزرسانی آن‌ها به دست آورده و نتایج ارزشمندی نائل گردیده است که برخی از آن‌ها در ذیل آمده است:

ارتقاء تعامل با مراکز و نخبگان علمی و تحقیقاتی کشور و ایجاد شوراهای راهبردی و تحولی و اتاق فکر با ترکیبی از صاحب‌نظران و اندیشمندان درون و برون سازمان.

تقویت بعد اجتماعی، نهادینه‌سازی مشکلات عمومی، تعمیق اعتماد و رضایت مردم و اقناع‌سازی افکار عمومی.

بهره‌مندی از تجهیزات پیشرفته و فناوری‌های نوین در جهت افزایش اشرافیت اطلاعاتی، توسعه امنیت نرم‌افزاری و کاهش تزاخم مردم و پلیس و صیانت از کارکنان با کاهش سطح تماس مردم با پلیس.

تلاش برای توانمندسازی کارکنان در زمینه حرفه‌گرایی و دانش حرفه‌ای و افزایش مهارت‌های رفتاری و اجتماعی.

توسعه بصیرت دینی و تلاش برای ایجاد سازمان متدین، ارزشی و ولایت‌مدار. ایجاد تحول ساختاری و بهینه‌سازی سازمان برای تقویت سرانگشتان، کوچک‌سازی ستادها و ایجاد تناسب و تعادل بین ساختار با شاخص‌هایی چون جرم، جمعیت و جغرافیا.

تقویت اقتدار عملیاتی، تمرکز بر پیشگیری و مقابله با جرائم خشن و باندهای فساد و ارادل و اوباش، پاک‌سازی چهره عمومی شهرها از عناصر بی‌بندوبار، معتادین و لگردد، خرده‌فروشان مواد مخدر، گردنکشان و ارادل و اوباش.

توسعه اشراف اطلاعاتی.

توجه به مرز و تقویت مرزبانی.

توقف رشد جرائم و کاهش جرم.

فراگیر سازی، عمق‌بخشی و توسعه خدمات به کارکنان در جهت افزایش منزلت و توانمندسازی اقتصادی آنان.

اقدامات صیانتی برای مقابله با فساد و سالم‌سازی محیط خدمتی.

شناخت و تحلیل دقیق نیازمندی‌های امنیتی- انتظامی و نقاط بحران نارضایتی مردم و تمرکز توان عملیاتی برای پاسخ به این نیازها.

آمادگی عملیاتی و پیش‌بینی قرائن وقوع یک فتنه بزرگ و اشراف اطلاعاتی بر کانون‌های فتنه و ایفای نقش مؤثر در مهار این توطئه عظیم.

پارادایم تهدیدات امنیتی - انتظامی در حال تغییر بوده و تحولی سریع در فضای تهدیدات آینده در حال شکل‌گیری است. حرکت به سمت نرم‌افزاری شدن و برون‌زا بودن تهدیدات از جمله ویژگی‌های تحول مذکور است. فتنه ۸۸ نشان داد که بسترهای مناسبی در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای توسعه نارضایتی وجود داشته و استکبار جهانی از همه ظرفیت‌های درونی و بیرونی برای دامن زدن به نابسامانی و ناکارآمدی نشان دادن نظام بهره می‌برد.

با تغییر پارادایم تهدیدات، پارادایم ناجا نیز می‌بایست تغییر یافته و به سرعت با تغییر در ابزارها و شیوه‌ها، آمادگی لازم را برای پاسخی مقتدرانه و منطقی به تهدیدات آینده کسب کند. لذا بر اساس رویکردهای احصاء شده در بالا، ناجا دارای نقش‌های تأثیرگذار زیر در راستای استحکام ساخت درونی قدرت نظام است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

نقش‌های تأثیرگذار در استحکام ساخت درونی قدرت نظام:

۱- **انسجام اجتماعی:** یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در هر جامعه‌ای، مقوله انسجام اجتماعی است. بدیهی است فضای مبتنی بر انسجام اجتماعی از لحاظ روانی - فکری بستر لازم برای پیشرفت‌های سیاسی، اقتصادی را فراهم می‌آورد. جوامع انسانی در گذر زمان، شرایط و تحولات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی معدودی مانند کشف فناوری‌های تازه، شکل‌گیری ساختارها و روابط سیاسی، اجتماعی تازه و... را می‌آزمایند که همگی اقتضای نفی انسجام گذشته و طراحی سطح تازه‌ای از انسجام را در بردارند.

در واکنش به این وضعیت، اتخاذ دو رویکرد متصور است: حفظ انسجام اجتماعی سابق و مقابله با تحولات تازه (انسجام اجتماعی ایستا) و یا خروج از انسجام سابق و تلاش برای بنای انسجامی دیگر (انسجام پویا). طرح الگوی انسجام اجتماعی پویا با نگاه به درون، می‌تواند ضمن تأمین انسجام لازم، شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی را نیز لحاظ کند. بدین صورت جامعه، همسو و همگام با جهان متحول، از پوسته پیشین خود به آرامی درمی‌آید و نهادهای تازه‌ای را که پاسخگوی نیازهای تازه جوامع هستند، تأسیس می‌کند و همواره می‌توان شاهد نوع تکامل‌یافته‌تری از انسجام اجتماعی بود که در حال اصلاح و پیشرفت است (علینقی، ۱۳۷۸: ۵۹).

موريس دوورژه گسترش انسجام اجتماعی را از سه طریق، ممکن می‌داند: با کاهش تنش‌هایی که از کمبود ناشی می‌شود؛ فراهم کردن این امکان برای کلیه افراد که درک بهتری از افراد و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، داشته باشند و همبستگی میان اعضای جامعه را گسترش دهند.

(دوورژه، ۱۳۷۸: ۲۵۱). با این فرض، انسجام اجتماعی به‌عنوان ظرفیت طبیعی و حد تعادل امنیت مردم و حکومت، نقش آفرین و کارآمد خواهد بود.

۲- **مدیریت نرم اجتماعی و پاسخگو:** نظام سیاسی پویا و کارآمد که بتواند کارویژه‌های خود را به‌خوبی انجام دهد و در مقابل چالش‌های فزاینده داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی واکنش مناسب نشان دهد و به سطحی مطلوب از امنیت داخلی دست یابد، نظامی است که فرآیند پاسخگویی مناسبی طراحی و اجراء نماید. اهمیت پاسخگویی در نظام سیاسی به اندازه‌ای مهم است که موجودیت نظام به آن بستگی دارد، زیرا مانع فساد درونی و پوسیدگی و ناکارآمدی حکومت می‌شود.

۳- **استمرار اقتدار در تأمین امنیت پایدار:** اقتدار، حق مشروع نظام سیاسی برای اعمال قدرت، نفوذگذاری و یا هدایت رفتار دیگران است. پایه اقتدار، زور یا مجازات نیست، بلکه حقانیت، مشروعیت و قانونیت است (عالم، ۱۳۷۷: ۹۶). با این توصیف اقتدار پویا، به میزان دوام و استمرار حقانیت و مشروعیت آن وابسته است، وصف مشروعیت اقتدار نیز زمانی جنبه عینی و عملی می‌یابد که یک ملت خواهان و پذیرای آن باشد؛ بنابراین، رضایت‌مندی، احساس امنیت و پذیرش عمومی، از ویژگی‌های جدانشدنی اقتدار پویا به شمار می‌روند و بر این اساس اقتدار پویا، استمرار خود را مدیون اعتماد و رضایت ملی، اصالت بر ارزش‌های مشروعیت، تضمین امنیت انسانی و ارزش‌های ملی و نهایتاً اطاعت‌پذیری ملی و وفاداری می‌داند (همان: ۹۸).

اعتماد و رضایت ملی زمانی به اقتدار پویا و امنیت پایدار عمومی منتهی می‌شود که امنیت مردم مبنای اصلی امنیت حکومت قرار می‌گیرد و بدون امنیت مردم امنیت نظام سیاسی و بقای آن غیرممکن می‌شود؛ بنابراین، امنیت مردم و امنیت حکومت دو روی یک سکه هستند و امنیت ملی با غفلت از جزء آن ناقص خواهد بود. جامعه‌ای که نهادهای اجتماعی، سیاسی و امنیتی انتظامی ضعیفی داشته باشد، توانایی کنترل و اداره خواسته‌ها، تقاضاها و آرزوهای افراد جامعه را ندارد. بی‌تردید در چنین جامعه‌ای سیاست رایج، قلمرو رقابت فروکش‌ناپذیر میان افراد و گروه‌های اجتماعی خواهد شد. رقابتی که سازمان‌های حکومتی فراگیر در آن نقش هدایتگر و میانجی را ایفاء نمی‌کنند، نظم، انسجام اجتماعی و تأمین امنیت مردم و حکومت به درجات بالاتری از اعتماد عمومی نیاز دارند. اعتماد نیز مستلزم پیش‌بینی‌پذیری رفتار دیگران است و پیش‌بینی‌پذیری به

الگوهای رفتاری تنظیم شده و نهادمند نیاز دارد (همان: ۴۰). بدون نهادهای سیاسی، اجتماعی و یا نهادمندی قدرت اجتماعی و انتظامی - امنیتی سایر ابزار تشخیص مصالح همگانی ناکارآمد می‌شوند.

۴- **دروازه‌بانی تقاضاها:** نظام‌های سیاسی همواره برای حفظ و بقاء خود نیازمند سه مؤلفه اقتدار، ثبات و انتظام هستند. اقتدار، قدرت مشروع و به معنای نفوذ بر رفتار و اعتقادات دیگران و مستلزم برخورداری از حق فرمان دادن است. نظام‌ها از طریق تعریف و عملیاتی نمودن مؤلفه‌های قدرت، مشروعیت، هویت، مشارکت، نفوذ، توزیع و اقتدار خود را تحکیم می‌بخشند.

مؤلفه ثبات، ناظر بر وضعیت تعادلی است که نظام سیاسی میان وضعیت موجود خود (داشته‌ها) و نیازها (منافع) ایجاد می‌کند. این وضعیت مستلزم شناخت لایه‌های اجتماعی و توزیع دو سویه قدرت از بالا به پایین و از پایین به بالا و نیز دروازه‌بانی تقاضاها و مطالبات افراد و گروه‌های جامعه است. نتیجه این وضعیت در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی، تولید حمایت و مشارکت مثبت افراد جامعه و نهایتاً ثبات نظام سیاسی خواهد بود. وقتی نظام‌ها نخواهند و یا نتوانند به مطالبات و تقاضاها پاسخ دهند، چرخه ثبات آن‌ها مختل می‌شود. مؤلفه انتظام نیز معطوف به نظم و سلسله مراتبی است که نظام برای پاسخگویی و کنترل نیازها، درخواست‌ها و مطالبات مردم ایجاد می‌کند (عصاریان نژاد، ۱۳۹۱).

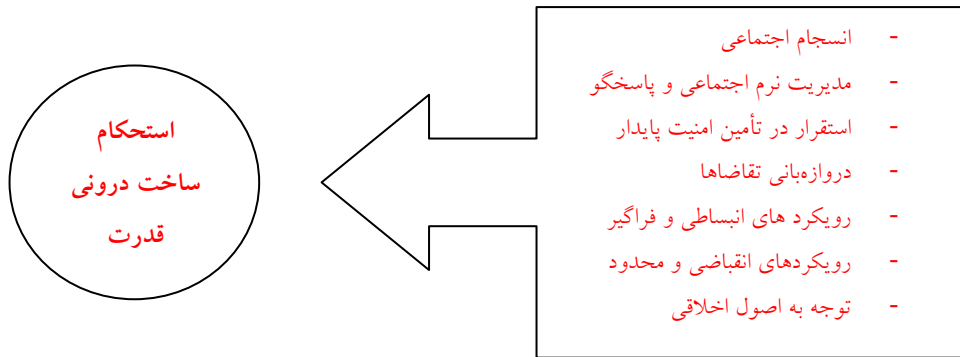
۵- **رویکردهای انبساطی و فراگیر:** برخی از نظام‌های سیاسی با نگاه به درون، منابع اقتدار را در مشروعیت و حمایت مردم خویش و شایستگی‌ها و توانمندی‌ها و نیز نیازهای آنان جستجو می‌کنند. سیاست این نظام‌ها بر این اساس است تا امنیتی را که مردم لایق آن هستند و به آن نیاز دارند با رویکرد نمایندگی و نه صاحب مردم بودن تأمین کنند. در این رویکرد، کارکردهای داخلی با کارکردهای خارجی هماهنگ‌ترند و تضمین رعایت حقوق مدنی و حقوق افراد تضمین می‌گردد. از تصدی‌گری تام دولت در همه حوزه‌های قدرت پرهیز می‌شود و نظام سیاسی، نیازها و مطالبات به‌حق مردم را برمی‌تابد. هرچند دیوید اپتر اقتدار واقعی را به معنای قدرت متمرکز دولت می‌داند و معتقد است که تنها نظام سیاسی قدرتمند می‌تواند کشمکش‌های اجتماعی را محدود کند و با گسترش منابع جهت اجرای تصمیمات دولتی، تأثیرات ناشی از تغییرات اجتماعی را کنترل کند (دیوید و چالرز، ۱۳۸۰). اما تأکید دارد که نظام سیاسی بدون جریان آزاد اطلاعات از مردم و گروه‌های اجتماعی،



پاسخگویی اولویت‌های سیاسی شهروندان نخواهد بود و این فقدان مسئولیت‌پذیری از اعمال رویه‌های دموکراتیک جلوگیری می‌کند.

۶- **رویکردهای انقباضی و محدود:** برخی نظام‌های سیاسی، منبع تولید اقتدار، ثبات و انتظام را در خارج از مرزهای ملی خویش جستجو می‌کنند و تأمین امنیت داخل مرزها را منوط به دشمن واقعی یا فرضی خارجی می‌کنند و بر این اعتقادند که مردم، مادامی که در فکر رفع تهدید در بیرون باشند در تزاخم با نظام سیاسی قرار نخواهند گرفت (نگاه رئالیستی). آنچه ناکارآمدی و تزلزل مشروعیت نظام سیاسی را تقویت می‌کند، گرایش قدرت سیاسی به رویکرد محدود و انقباضی در مقابل رویکرد فراگیر و انبساطی امنیت داخلی است. در رویکرد انقباضی، دیگرانی که خارج از مدار قدرت سیاسی هستند، فاقد توانایی فکری برای تعریف و تعیین مصادیق امنیت تلقی می‌شوند. گسترش شکاف میان «خودی‌ها» و «غیرخودی‌ها» و قرار دادن حجم عظیمی از مردم در آن سوی دیوار، به خودی خود یک تهدید تلقی می‌شود. در حالی که رویکرد انبساطی و فراگیر امنیت داخلی، سیاست را فرآیندی می‌داند که در آن، تمام کسانی که زیر چتر یک حکومت زندگی می‌کنند، حق مداخله و مشارکت در قدرت سیاسی را دارند. این رویکرد، حق تعارض منافع را به‌عنوان یک واقعیت می‌پذیرد و آن را لزوماً ضد امنیتی تلقی نمی‌کند. در یک ارزیابی کلی، رویکرد انبساطی و فراگیر امنیت داخلی، چه از حیث نظری و چه از حیث منافع و سیاست عملی، یک ضرورت امنیت و به نفع مصالح و امنیت ملی است (کریمی مله، ۱۳۸۰: ۱۵۰).

۷- **توجه به اصول اخلاقی:** در چارچوب نرم‌سازی امنیتی، رسانه‌ها باید اطلاعات و اخبار کامل و دقیقی را در دسترس همگان قرار دهند، چنانچه این امر به‌عنوان ابزار سیاست نرم‌سازی امنیت در جهت ارزش‌های ملی مردم و رعایت اصول اخلاقی عمومی، عمل نمایند و در انعکاس اخبار واقعیت‌ها را به نحو معقول نشان دهند، خواهند توانست در مردم احساس امنیت ایجاد کنند، در غیر این صورت، بیم بروز واکنش‌های غریزی و احساسی افراد به وجود خواهد آمد و افکار عمومی به‌گونه‌ای شکل خواهد گرفت که برای امنیت جامعه مخاطره‌آمیز باشد (محمودی جانکی، ۱۳۷۶: ۳۱۲).



شکل شماره (۱) مؤلفه‌های مؤثر در ساخت درونی قدرت (عصاریان‌نژاد، ۱۳۹۱)

### روش تحقیق:

این تحقیق از نظر نوع کاربردی و از نظر روش توصیفی و از نظر تکنیک اجراء پیمایشی است، برای احصاء مؤلفه‌های استحکام قدرت و رویکردهای پلیس از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شد که ابزار آن فیش‌برداری اعم از فیش‌برداری دستی و الکترونیکی بوده است. سپس برای استخراج عوامل مؤثر بر رضایت‌مندی مردم که به‌نوعی اعتبارسنجی داده‌های حاصل از بخش اسنادی تحقیق بود، از پیمایش استفاده گردید. جامعه آماری تحقیق دانشجویان مقطع دکتری و ارشد دانشکده فرماندهی و ستاد ناجا به تعداد ۱۰۰ نفر بودند که به دلیل محدود بودن جامعه آماری تحقیق نیازی به نمونه‌گیری نبود و به‌صورت تمام شمار انتخاب شدند و به‌وسیله پرسشنامه محقق‌ساخته داده‌ها گردآوری گردید. روایی پرسشنامه به‌وسیله مشاوره با اساتید و صاحب‌نظران حوزه امنیت حاصل و برای تأمین پایایی پرسشنامه از آزمون ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که میزان ضریب آلفای محاسبه شده (۰/۸۲) به دست آمد.

### تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق:

برای تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق کار در دو بخش به‌صورت زیر انجام شده است:

الف- بررسی وضعیت رویکردهای تأثیرگذار پلیس بر استحکام ساخت درونی قدرت پلیس که برای بررسی این رویکردها از آزمون آماری رتبه‌بندی فریدمن استفاده شده است که نتایج آن به شرح زیر می‌باشد:

ردیف	رویکرد	میانگین رتبه‌ای	اولویت رویکرد
۱	رویکردهای انبساطی و فراگیر	۳۹/۸۹	۱
۲	دروازه‌بانی تقاضاها	۳۸/۷۳	۲
۳	مدیریت نرم اجتماعی و پاسخگو	۳۸/۵۲	۳
۴	انسجام و همبستگی اجتماعی	۳۷/۰۰	۴
۵	استمرار اقتدار در تأمین امنیت	۳۶/۸۸	۵
۶	توجه به اصول اخلاقی	۳۴/۰۱	۶
۷	رویکردهای انقباضی و محدود	۱۰/۹۶	۷

جدول (۱) آزمون رتبه‌ای فریدمن برای رویکردها

بر اساس نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر رویکردهای انبساطی و فراگیر با میانگین رتبه‌ای ۳۹/۸۹ در اولویت نخست، دروازه‌بانی تقاضاها با میانگین ۳۸/۷۳ در اولویت دوم و در رتبه‌های بعدی به ترتیب مدیریت نرم اجتماعی و پاسخگو با میانگین ۳۸/۵۲، انسجام و همبستگی اجتماعی با میانگین ۳۷/۰۰، استمرار اقتدار در تأمین امنیت با میانگین ۳۶/۸۸، توجه به اصول اخلاقی با میانگین ۳۴/۰۱ و رویکرد انقباضی و محدود با میانگین ۱۰/۹۶ در رتبه آخر قرار گرفته است.

ب- بررسی رابطه بین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر استحکام ساخت درونی قدرت که به‌وسیله آزمون رگرسیون انجام شده است.

برای بررسی ارتباط و تبیین و پیش‌بینی روابط بین متغیرها از آزمون آماری تحلیل رگرسیون استفاده گردید که نتایج حاصل از آن در جدول زیر درج گردیده است.

Sig	t	Beta	B	ضریب تعیین R square	ضریب همبستگی R	گزینه
۰/۰۰۰	۵/۲۳۷	-	۰/۴۸۸	۰/۷۵۶	۰/۸۲۸	استحکام ساخت درونی قدرت
۰/۰۰۰	۸/۹۱۲	۰/۲۹۷	۰/۲۴۵			رویکردهای انبساطی و فراگیر
۰/۰۰۰	۶/۸۳۱	۰/۲۴۱	۰/۱۹۸			استقرار در تأمین امنیت پایدار
۰/۰۰۰	۷/۳۶۷	۰/۲۳۳	۰/۱۷۷			رویکردهای انقباضی و محدود
۰/۰۰۰	۷/۵۳۸	۰/۲۵۴	۰/۲۱۵			انسجام و همبستگی اجتماعی
۰/۰۰۰	۷/۸۴۴	۰/۲۷۶	۰/۲۳۴			دروازه‌بانی تقاضاها
۰/۰۰۱	۷/۴۱۹	۰/۲۳۸	۰/۱۹۸			توجه به اصول اخلاقی
۰/۰۰۰	۷/۶۵۸	۰/۲۶۵	۰/۲۳۰			مدیریت نرم اجتماعی و پاسخگو

جدول (۲) نتایج آزمون آماری تحلیل واریانس

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی بین متغیر وابسته با کلیه متغیرهای مستقل مورد مطالعه  $R = 0/828$  محاسبه شده که حاکی از همبستگی بسیار بالای بین متغیرها می‌باشد و نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل (رویکردهای انبساطی و فراگیر، استقرار در تأمین امنیت پایدار، رویکردهای انقباضی و محدود، انسجام و همبستگی اجتماعی، دروازه‌بانی تقاضاها، توجه به اصول اخلاقی و مدیریت نرم اجتماعی و پاسخگو) با یکدیگر و همچنین با متغیر وابسته (استحکام ساخت درونی قدرت) همبستگی بسیار بالایی دارند. همچنین میزان ضریب تعیین  $R^2 = 0/756$  محاسبه شده که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل مورد مطالعه بیش از ۷۵٪ درصد بر متغیر وابسته تحقیق یعنی استحکام ساخت درونی قدرت تأثیر داشته است یا به عبارت دیگر بیش از ۷۵٪ تغییرات متغیر وابسته را پوشش می‌دهند و کمتر از ۲۵٪ تغییرات باقی مانده مربوط به دیگر متغیرها و عوامل مختلف تأثیرگذار بر استحکام ساخت درونی قدرت نظام می‌باشد که در این تحقیق مورد مطالعه قرار نگرفته است.

نتایج حاصل از ضریب بتای به دست آمده برای مؤلفه‌های تأثیرگذار بر استحکام ساخت درونی قدرت نشان می‌دهد که رویکردهای انبساطی و فراگیر با ضریب  $0/297$  در اولویت نخست، دروازه‌بانی تقاضاها با ضریب  $0/276$  در اولویت دوم و در رتبه‌های بعدی به ترتیب مدیریت نرم اجتماعی و پاسخگو با ضریب  $0/265$ ، انسجام و همبستگی اجتماعی با ضریب  $0/254$ ، استمرار اقتدار در تأمین امنیت با ضریب  $0/241$ ، توجه به اصول اخلاقی با ضریب  $0/238$  و رویکرد انقباضی و محدود با ضریب  $0/233$  قرار دارند.

### نتیجه‌گیری:

با عنایت به نتایج حاصله می‌توان گفت سطوح مختلف امنیت به‌ویژه تأمین امنیت عمومی و بسترسازی لازم برای ارتقای امنیت داخلی را باید از مهم‌ترین کارویژه‌های حکومت که به‌طور معمول از طریق دستگاه‌های انتظامی و امنیتی کشور تأمین می‌گردد، دانست. این امر با فراهم آوردن بستر مناسب برای نخبگان و شهروندان، امکان رشد و ترقی مادی و معنوی را به آن‌ها می‌دهد. از این منظر «انتظام و امنیت جامعه» اصلی ضروری به شمار می‌آید که پلیس و شهروندان، مکلف به ایجاد و صیانت از آن هستند؛ در غیر این صورت، جامعه دستخوش ناامنی شده و بدین‌وسیله منافع ملی و فردی - هر دو - تهدید می‌گردد.

در رویکردهای سنتی پلیس به این دلیل که حاکمیت و نهادهای نظامی و انتظامی کمترین توجه را به جلب اعتماد عمومی و مشارکت اجتماعی مردم معطوف داشته‌اند؛ همواره مشارکت مردم در امور انتظامی با نیروهای برقرارکننده نظم در سطوح بسیار پایینی بوده است؛ زیرا مردم به نیروهای برقرارکننده نظم و امنیت به‌عنوان نیروهایی در خدمت حاکمیت نگرسته‌اند نه نهادی برخاسته از مردم و برای مردم؛ اما در رویکرد جامعه‌محوری پلیس به جهت تأکید فراوان به جنبه‌های اخلاقی، رفتاری و اجتماعی پلیس در مقابل شهروندان و افزایش جلب اعتماد و مشارکت‌های مردمی و اینکه امر مهم امنیت در جامعه نهادینه نمی‌گردد جز اینکه پلیس پاسخگو و جامعه‌ای مسئول و سهیم در تأمین امنیت داشته باشیم؛ از اقبال و گرایش بیشتری در نزد مردم برخوردار بوده است. ضمن اینکه مسئله‌محوری پلیس نیز جزئی از فرآیند جامعه‌محوری پلیس می‌باشد. البته امنیت مقوله‌ای کاملاً آمیخته و لازم و ملزوم با انتظام ملی می‌باشد و عوامل متعددی در آن دخیل هستند. تأکید بر رعایت خط قرمزهای نظام از سوی پلیس و نادیده گرفتن برخی از خطوط قرمز نظام از سوی برخی از معاندین و مخالفان نظام شرایطی را به وجود می‌آورد تا پلیس در تأمین اساسی‌ترین کارکرد خودش یعنی نظم و امنیت اجتماعی از الگوی تلفیقی بهره‌مند گردد. الگویی که هم جنبه‌های انبساطی و هم جنبه‌های انقباضی را در برخوردهای رفتاری با آحاد افراد جامعه در برمی‌گیرد. بر اساس یافته‌های این تحقیق پلیس با استفاده از الگوی تلفیقی و تحقق کارکردهای ذیل می‌تواند در حوزه‌های امنیتی و انتظامی موجب استحکام ساخت درونی قدرت نظام گردد:

۱- توجه به توسعه نقش انبساطی و فراگیر یا به عبارت دیگر فراهم نمودن جریان آزاد اطلاعات و مشارکت دادن بیشتر مردم و گروه‌های اجتماعی در راستای تأمین امنیت پایدار و فراگیر مردم‌محور در جامعه و بسط دادن فرهنگ مسئولیت‌پذیری در جامعه برای رسیدن به جامعه دموکراتیک بر مبنای مردم‌سالاری دینی.

۲- گسترش دروازه‌بانی تقاضاها یا به عبارت دیگر شناخت لایه‌های اجتماعی و توزیع دوسویه قدرت از بالا به پایین و از پایین به بالا که نتیجه این وضعیت در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی، تولید حمایت و مشارکت مثبت افراد جامعه و نهایتاً ثبات نظام سیاسی خواهد بود.

۳- پیشنهاد می‌گردد که نظام سیاسی و پلیس برای رسیدن به استحکام ساخت قدرت درون، فرآیند پاسخگویی مناسبی طراحی و اجرا نماید تا بتوانند در مقابل چالش‌های فزاینده داخلی،

منطقه‌ای و بین‌المللی واکنش مناسب نشان دهند و به سطحی مطلوب از امنیت داخلی دست یابند، چراکه پاسخگویی در نظام سیاسی مانع از فساد درونی و پوسیدگی و ناکارآمدی حکومت می‌شود.

۴- توجه بیشتر و ویژه به انسجام اجتماعی زیرا فضای مبتنی بر انسجام اجتماعی از لحاظ روانی - فکری بستر لازم برای پیشرفت‌های سیاسی، اقتصادی را فراهم می‌آورد و طرح الگوی انسجام اجتماعی پویا با نگاه به درون، می‌تواند ضمن تأمین انسجام لازم، شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی را نیز لحاظ کند. بدین صورت جامعه، همسو و همگام با جهان متحول، از پوسته پیشین خود به آرامی در می‌آید و نهادهای تازه‌ای را که پاسخگوی نیازهای تازه جوامع هستند، تأسیس می‌کند و همواره می‌توان شاهد نوع تکامل‌یافته‌تری از انسجام اجتماعی بود که در حال اصلاح و پیشرفت است.

۵- توجه به استمرار اقتدار در تولید امنیت با عنایت به اینکه حق مشروع نظام سیاسی برای اعمال قدرت، نفوذگذاری و یا هدایت رفتار دیگران است و اینکه پایه اقتدار، زور یا مجازات نیست، بلکه حقانیت، مشروعیت و مقبولیت است. چراکه اعتماد و رضایت ملی زمانی به اقتدار پویا و امنیت پایدار عمومی منتهی می‌شود که امنیت مردم مبنای اصلی امنیت حکومت قرار گیرد و بدون امنیت مردم امنیت نظام سیاسی و بقای آن غیرممکن می‌شود؛ بنابراین، امنیت مردم و امنیت حکومت دو روی یک سکه هستند و امنیت ملی با غفلت از جزء آن ناقص خواهد بود.

۶- پیشنهاد می‌گردد که پلیس برای رسیدن به هدف اصلی خود که همان استحکام ساخت درونی قدرت نظام می‌باشد، خود را به اصول اخلاقی و حرفه‌ای پلیس بیشتر مجهز نماید؛ زیرا اگر پلیس بتواند در انعکاس اخبار، واقعیت‌ها را به نحو معقول نشان دهد، خواهند توانست در مردم احساس امنیت ایجاد کنند، در غیر این صورت، بیم بروز واکنش‌های غریزی و احساسی افراد به وجود خواهد آمد و افکار عمومی به‌گونه‌ای شکل خواهد گرفت که برای امنیت جامعه مخاطره‌آمیز باشد.

۷- پیشنهاد می‌گردد که از ایجاد رویکرد محدود و انقباضی جلوگیری شود زیرا در رویکرد انقباضی، دیگرانی که خارج از مدار قدرت سیاسی هستند، فاقد توانایی فکری برای تعریف و تعیین مصادیق امنیت تلقی می‌شوند. گسترش شکاف میان «خودی‌ها» و «غیرخودی‌ها» و قرار دادن حجم عظیمی از مردم در آن‌سوی دیوار، به خودی خود یک تهدید تلقی می‌شود. در حالی که رویکرد انبساطی و فراگیر امنیت داخلی، سیاست را فرآیندی می‌داند که در آن، تمام کسانی که زیر چتر یک حکومت زندگی می‌کنند، حق مداخله و مشارکت در قدرت سیاسی را دارند.

## منابع:

- نهج البلاغه، (۱۳۷۱)، ترجمه محمد دشتی، تهران: نشر جمال.
- حضرت امام خمینی (ره)، نرم افزار صحیفه نور.
- حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، نرم افزار حدیث ولایت.
- اپتر، دیوید و چالرز، اندی، (۱۳۸۰)، اعتراض سیاسی و تفسیر اجتماعی، ترجمه محمدرضا سعیدآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوستان ولایت-۲، (۱۳۸۵)، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، انتشارات ایمان.
- پازوکیان، اسداله، (۱۳۸۴)، ویژگی‌های پلیس اسلامی از دیدگاه فرماندهی معظم کل قوا، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، معاونت سیاسی.
- دوورژه، موریس، (۱۳۷۶)، اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: نشر دادگستر.
- عالم، عبدالرحمن، (۱۳۷۷)، بنیادهای معلم سیاست، تهران: نشرنی.
- عصاریان نژاد، حسین، (۱۳۹۱)، تقریرات درسی (درس دکترین نظام امنیت ملی)، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- علی نقی، امیرحسین، فرهنگ و انسجام اجتماعی، تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی شماره ۳.
- کریمی مله، علی، (۱۳۸۰)، نگاهی به مسائل امنیتی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فیض، سید محمد، (۱۳۸۶)، اخلاق حرفه‌ای کارکنان راهور، معاونت آموزش ناجا.
- عبدی، توحید و جزینی، علیرضا، (۱۳۸۰)، تحلیلی بر پلیس حرفه‌ای و مردمی، فصلنامه دانش انتظامی، سال سوم، شماره ۱، تهران: طراحان صبا سپهر.
- عبدی، توحید، (۱۳۸۱)، میزگرد پلیس مطلوب، فصلنامه دانش انتظامی، سال چهارم، شماره ۲ و ۳، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کارن ام. هس و لیندا اس. میلر، (۱۳۸۲)، پلیس در اجتماع، راهبردهایی برای قرن بیست و یکم، ترجمه محمدرضا کلهر، انتشارات سروش.
- محمودی جانکی، فیروز، (۱۳۷۶)، امنیت و ناامنی از دیدگاه سیاست جنایی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق، سال چهارم، شماره هشتم.
- نیروی انتظامی مظهر اقتدار ملی، (۱۳۸۹)، تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.
- وروایی، اکبر، (۱۳۸۴)، پلیس جامعه محور، تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.

